

تصاویر چاپ سنگی عهد قاجار

منبع الهام هنر معاصر ایران

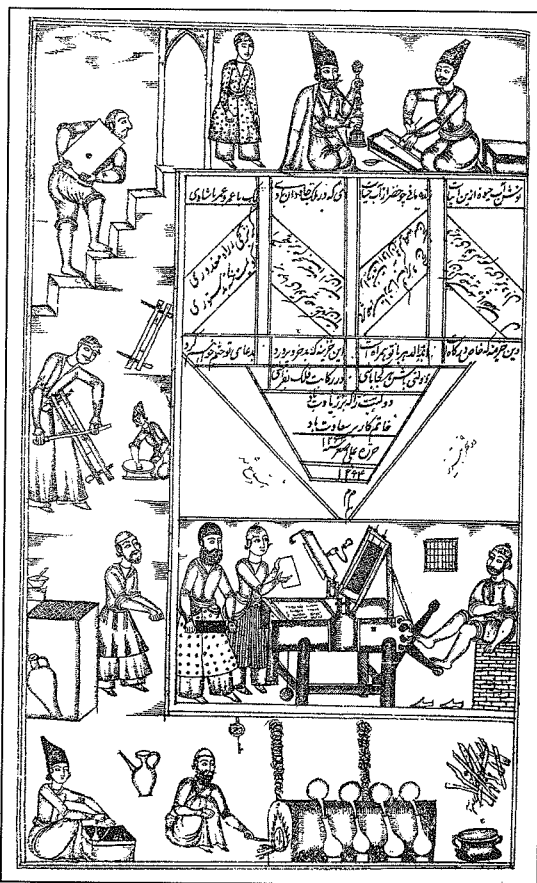
اولریش مارزولف / آزاده افراسیابی

Ulrich Marzolph: پژوهشگر آلمانی، متولد ۱۹۵۲. او تحصیلات خاورشناسی را در دانشگاه کلن آلمان و دانشگاه مشهد به انجام رسانید. اکنون در مقام استناد خاورشناسی دانشگاه گوتینگن و محقق ارشد در پژوهشکده «دایرة المعارف قصه» وابسته به آکادمی علوم گوتینگن فعالیت می‌کند. از حدود ده سال قبل به کار تحقیق درباره تاریخ - کتاب های چاپ سنگی بویژه در ایران مشغول بوده است. مقاله حاضر، ترجمه متن سخنرانی اولریش مارزولف در همایشی است که به اهتمام «بنیاد برکت» از ۱۰ تا ۱۳ جولای ۲۰۰۵، در شهر آکسفورد برگزار شد.

دوم، موارد مختلف استفاده از این دستمایه سنتی در طی نیمه دوم قرن چهاردهم را نشان خواهیم داد. و سوم درباره آثار هنری اردشیر محمص - «مشهورترین کاریکاتورست و طنزپرداز ایرانی» (مهدی کیا) با تفصیل بیشتر بحث خواهیم کرد.

از جنبه تاریخی، چاپ سنگی در ایران بخشی از یک قرن رسانه‌ای با کاربرد وسیع در امر نشر بوده است.

اوایل قرن سیزدهم، ایران یکی از آخرین نقاط جهان اسلام بود که چاپ در آن به عنوان یک روش فرهنگی مستمر پایه‌ریزی شد. کوشش‌های پیشین برای رواج چاپ در ایران به عصر صفوی و دستگاه چاپ در جامعه آرمینیان جلفای نو بازمی‌گردد که پنج کتاب در فاصله ۱۰۴۸ تا ۱۰۵۷ ق، به وسیله آن چاپ شده بود (این دستگاه چاپ هنوز موجود است). با وجود این، حضور ماندگار چاپ در ایران به نخستین



MirzaAli Gholi Khoi / 1848

هنرمندان ایرانی، همانند هنرمندان سراسر جهان از منابع گوناگون - بومی یا بیگانه، جدید یا تاریخی - مایه می‌گیرند. یکی از این منابع، یعنی تصاویر موجود در کتاب‌های چاپ سنگی عهد قاجار و کاربرد آنها در هنر معاصر ایران، موضوع پژوهش من است. تصویرگری چاپ سنگی (لیتوگرافی) عهد قاجار تجربه‌ای بومی / تاریخی به وجود آورد که در طی چندین دهه منبع الهام هنرمندان ایرانی بوده است و اگر حدس من درست باشد، همچنان منبع الهام خواهد بود، چرا که آگاهی عمومی از غنای این دستمایه تاریخی بیش از پیش افزایش می‌یابد. پژوهش من در این باره سه بخش دارد: نخست، تاریخچه تصویرگری چاپ سنگی در ایران را از اوایل آن در میانه قرن سیزدهم تا افول و خاتمه آن در میانه قرن چهاردهم ق، به اختصار شرح می‌دهم.

دهه‌های سده سیزدهم ق مربوط می‌شود که به ابتکار عباس میرزا، ولیعهد و فرمانفرمای آذربایجان، تجهیزات چاپ حرفی (سربی) از روسیه وارد شد. در ابتدا، این روش چاپ مورد مناقشه بود و چندان توفیقی نیافت. مجموعاً حدود پنجاه کتاب حروف سربی بین سالهای ۱۲۳۳ و ۱۲۷۳ ق به چاپ رسید و بعد از سال ۱۲۷۳ ق این روش برای دو دهه کنار گذاشته شد. در خلال این مدت، چاپگران ایرانی با فن چاپ سنگی که آلویس زنفلدر (Alois Senefelder) ساکن پراگ در اواخر سده هجدهم میلادی اختراع کرده بود، آشنا شده بودند. اگرچه تجهیزات چاپ سنگی احتمالاً در سال ۱۲۴۰ ق به ایران وارد شد، نخستین کتاب چاپ شده با این روش که بجا مانده قرآنی است مورخ ۴۹-۱۲۴۷ ق. در دهه‌های بعد چاپ سنگی در ایران موفقیتی چشمگیر به دست آورد.

این تنها روش موجود چاپ برای دو دهه، از ۱۲۷۳ تا ۱۲۹۱ ق بود که تا اواسط قرن چهاردهم ق ادامه پیدا کرد. چاپ سنگی در مقایسه با چاپ سربی مزایای بسیاری در برداشت. اولاً، ابزارش ساده، در دسترس، ارزان بها و کار کردن با آن بسیار آسان بود. ثانیاً، چاپ سنگی امکان تداوم اسلوب ساخت نسخه‌های خطی - بویژه از جنبه تأثیر زیبایی‌شناسانه خوشنویسی - را فراهم می‌کرد.

و ثالثاً، چاپگرها به زودی متوجه شدند که در چاپ سنگی می‌توان نوشته و تذهیب و تصویر را با هم و با یک روش ارائه کرد. تصویرسازی در کتاب‌های چاپ سنگی که با «لیلی و مجنون» مکتبی (۱۲۵۹ ق) آغاز شد، هنوز کاملاً ناشیانه هستند، زیرا مسلماً زمانی لازم بود تا هنرمندان با اسلوب تازه خو بگیرند. اما پنج سالی بیش نگذشت که میرزا علیقلی خوبی شاهکار بی‌همتا و بعدها منحصر به فرد تصویرسازی چاپ سنگی را پدید آورد: «خمسه نظامی» با تذهیب فراوان در قطع رحلی (۱۲۶۴ ق)، مشتمل بر ۳۹ تصویر مرتبط با متن، یک تصویر بزرگ مستند از روند چاپ سنگی [تصویر ۱]، و تقریباً ۳۰۰ تصویر مینیاتوری از موجودات خیالی در لچکی‌های حاشیه.

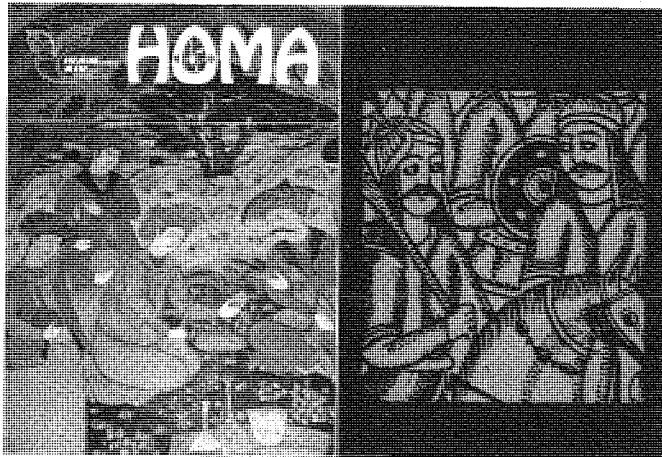
از این پس، تصاویر ویژگی همیشگی کتاب‌های بی‌شمار چاپ سنگی - مخصوصاً کتب ادبی روایی قدیم و جدید، فخیم یا عامیانه - بودند. وانگهی، کتابهای تاریخی، فنی، پزشکی و نظامی، باستانشناسی و نجوم، سفرنامه‌ها و ترجمه‌های ادبیات غرب نیز مصور می‌شدند.

ادبیات کلاسیک فارسی مورد علاقه خاص تصویرگران بود. چاپ سنگی شاهنامه فردوسی احتمالاً در بیش از ۳۰ چاپ مختلف (اگرچه اکثر آن در هند) منتشر شد. آثار کلاسیک دیگری که به صورت کتاب‌های مصور متعدد از چاپ بیرون آمد شامل «کلیات سعدی» (حداقل ۱۵ چاپ بین ۱۲۶۸ تا ۱۳۲۸ ق)، کتاب مردم‌پسند «جامع التمثیل» اثر حبله رودی در باب امثال و حکایات (حداقل ۱۱ چاپ بین ۱۲۶۹ تا ۱۳۳۳ ق)، «خمسه نظامی» (۱۰ چاپ بین ۱۲۶۴ تا ۱۳۲۸ ق)، و روایت فارسی «کلیله و دمنه»،

«انوار سهیلی» اثر حسین بن واعظ کاشفی (حداقل ۷ چاپ بین ۱۲۶۱ تا ۱۲۹۸ ق). ادبیات روضه‌خوانی از دیگر کتابهای مردم‌پسند آن دوران بودند، مثل «حملة حیدری» اثر ملایون علی (نخستین چاپ مصور شده ۱۲۶۴ ق)، «اسرارالشهدا» اثر اسماعیل بروجردی (نخستین چاپ همراه با تصویر ۱۲۶۸ ق) و مخصوصاً «طوفان البکاء» اثر جوهری که

در چاپ‌های مصور بی‌شمار از جمله ۱۲۶۹ ق منتشر شدند. علاوه بر این، تعدادی از تألیفات حجیم ادبیات خیال‌پردازانه به صورت مصور از چاپ بیرون آمدند، از قبیل ترجمه فارسی «الف لیله» (حداقل ۷ چاپ مصور بین ۱۲۷۲ و ۱۳۲۰ ق) و یا حماسه منشور «اسکندرنامه» (۷۴-۱۲۷۳ ق) و «رموز حمزه» (چاپ اول ۱۲۷۴-۷۶ ق).

اگرچه انتشار کتاب‌های چاپ سنگی مصور - با یا بدون تصویر - تا اواسط قرن چهاردهم ق ادامه یافت، سبک تصویرسازی و خوشنویسی آنها تنزل پیدا کرد و هنگام افول، چیزی بیش از خاطره‌ای ضعیف از روزگار خوش گذشته نبود. امروزه، هنر سنتی تصویرگری در کتاب‌های



رو و پشت مجله «هما»
بهمن ۱۳۵۰ ش

چاپ سنگی عهد قاجار به دست فراموشی سپرده شده است. اگرچه بعدها در آثار هنر معاصر ایران دوباره جان گرفت.

اما درباره موجودیت فعلی کتاب‌های چاپ سنگی و قابلیت دسترسی به آنها باید بگویم که کتاب‌های چاپی در ایران، برخلاف نسخ خطی، تا زمان اخیر از اعتبار اندکی برخوردار بوده‌اند. کتاب‌های چاپی (سنگی یا سربی)، جزء اشیاء مورد استفاده روزانه به شمار می‌آمدند. کتاب‌ها را آن قدر می‌خواندند تا پاره پاره شوند، و سرانجام بسیاری از آنها کاغذ باطله برای مقاصد مختلف بود. در نتیجه، از بسیاری از کتاب‌های مصور عهد قاجار فقط تک نسخه‌ای اغلب پراکنده و ناقص به جای مانده است. بسیاری از این کتاب‌ها به خارج ایران راه یافته‌اند و بخصوص در کتابخانه‌های خاورشناسان یا مجموعه‌دارانی که برای استفاده شخصی یا سرگرمی آنها را خریده‌اند، جای گرفته‌اند. تعداد زیادی از این کتاب‌ها در کتابخانه‌های عمومی ایران حفظ شده‌اند. بسیاری از نمونه‌های ارزشمند - که در فهرست کتابخانه‌ای ثبت نشده و قابل دسترس همگان نبوده‌اند - نزد مجموعه‌داران خصوصی، هنردوستان و شاید خود هنرمندان باقی مانده‌اند.

اذعان می‌کنم که این بررسی کوتاه درباره حیات مجدد تصاویر چاپ سنگی نظم‌چندان مشخصی ندارد. من نتوانسته‌ام آثار و مدارک این پدیده را به طور کامل و جامع فراهم آورم. در عوض، مایلم چند نمونه اتفاقی مربوط به چهار دهه گذشته را در اینجا ارائه کنم. قدیم‌ترین نمونه استفاده ثانوی از تصاویر چاپ سنگی که در اختیار دارم، پشت جلد مجله «هما» (نشریه مخصوص مسافران هواپیما) به تاریخ بهمن ۱۳۵۰ ش است [تصویر ۲] به نظر می‌رسد که این بریده‌ای بزرگ شده از تصویر اصلی باشد. تصویر به سرعت قابل شناسایی است: یکی از بی‌شمار صحنه‌های جنگ یا تدارک جنگ که در شاهنامه یا حماسه‌های مردمی و

۳- افتخار نامه حیدری
میرزا نصرالله
۱۲۷۸ ش / ۱۳۱۷ ق
Mirza Nasrolah
1900



تذکره‌الشهدا به وفور وجود دارند. صحنه روی جلد مجله را به دقت معرفی کرده‌اند: «نقاشی دیواری کاخ چهل ستون در اصفهان که شاه عباس کبیر را در یک تفرجگاه خارج از شهر نشان می‌دهد». حال آنکه در مورد مأخذ تصویر چاپ سنگی پشت جلد مختصراً نوشته‌اند: «طرحی با مضمون تعزیه مسلم که در جشن هنر شیراز ۱۳۴۹ ش ارائه شد». مقاله این مجله درباره جشن شیراز، از نمایش تصاویر چاپ سنگی سخنی به میان نمی‌آورد. اما توضیح می‌دهد که در آنجا «نمایشگاهی از آثار ۲۲ نقاش معاصر ایرانی برپا بود که نمونه‌های جالبی از شیوه‌های تفسیر نقاشان جوان از سبک‌های سنتی به دست می‌داد».

هیچ اشاره‌ای به نمایش کتاب‌های چاپ سنگی نشده است. در حالی که کاملاً بعید به نظر می‌رسد که این نقش بریده، بازآفرینی نوینی از سبک تصویرسازی چاپ سنگی باشد، منبع دقیق آن نیز قابل اثبات نیست. با وجود این، سبک طراحی بسیار نزدیک به سبک میرزا نصرالله است، هنرمندی که آثار شناخته شده‌اش فاصله زمانی ۱۲۸۹ تا ۱۳۱۶ ق را در برمی‌گیرد. این تشابه سبکی را می‌توان در نقش بریده مشابه دیگری از «افتخار نامه حیدری» ۱۳۱۷ ق اثر میرزا نصرالله نشان داد [تصویر ۳]. منبع این نقش بریده هرچه باشد، مسلماً تأثیر الهام بخش تصویرسازی چاپ سنگی را در اثر هنری به نمایش درآمده در جشن شیراز ثابت می‌کند.

در ترتیب زمانی بعد از نمونه نامبرده، تعدادی از آثار تصویری فرشید مثقالی، هنرمند ایرانی را معرفی می‌کنم. گویا مثقالی یک کپی میکروفیلم از تصاویر کتاب‌های چاپ سنگی محفوظ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران که در آن زمان زیر نظر ابرج افشار اداره می‌شد، در اختیار دارد. او بریده‌هایی از تصاویر چاپ سنگی مختلف را کنار هم می‌چسباند و سپس آنها را رنگ می‌کند. مثقالی کارهای تبلیغاتی، از قبیل دو پوستر برای یازدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم کودکان و نوجوانان تهران در آبان ماه ۱۳۴۶ ش، نیز انجام داده است. او در مجموعه تصاویر کتاب «افسانه آفرینش در ایران» اثر مهدخت کشکولی (۱۳۵۶ ش) استفاده خاصی از موضوعات اساطیری کرده است، مثل دیو و اژدها که مکرراً در چاپ‌های متون فارسی چاپ سنگی پدیدار می‌شوند [تصویر ۴].

در این باره که آیا انقلاب اسلامی ایران منجر به از میان رفتن استفاده هنرمندان ایرانی از تصاویر چاپ سنگی برای جلد کتاب شده است یا نه نمی‌توانم نظر قطعی بدهم، زیرا مدارک این دوره را در دست ندارم.

اغلب نمونه‌هایی که پس از انقلاب دیده‌ام، مربوط می‌شوند به استفاده از تصاویر چاپ سنگی برای کتاب‌ها و مجلات، که قدیم‌ترین آنها به ۱۳۷۴ ش بازمی‌گردد. محمدعلی بنی‌اسدی نوعی کلاژ از بریده‌های تصاویر چاپ سنگی، گاهی رنگ شده، اجرا کرده بود و چیزی مثل بریده‌های پارچه‌رنگی و یا طرح‌های خودش را به آن افزوده بود. روی جلد مجله سروش کودکان (دی ماه ۱۳۷۴ شمسی) تصویری رنگی از یک کتاب روضه‌خوانی ناشناخته [تصویر ۵] را ارائه می‌دهد. روی جلد کتاب چاپ ایران «قصه‌های مشدی گلین خانوم»، گردآوری ال. پی الول ساتن (L. P. Elwell-sutton)، خاورشناس انگلیسی، بویژه جالب است زیرا جزئیات مضمون نگاری برخی از نقش بریده‌های مورد استفاده در آن از صحنه‌های شاهنامه گرفته شده است. در روی جلد، چاهی را که رستم و اسبش در آن به دام افتادند می‌توان دید و در پشت جلد شغاد، برادر ناتنی خیانتکار رستم را در حالی که تیر خورده است. این صحنه به مجموعه تصاویر رایج در چاپ‌های سنگی شاهنامه فردوسی تعلق دارد. اگر دقت کنیم، نمونه استفاده شده در اینجا، تصویری است از داستان رستم زابلی و سهراب، تدوین ویلیام تی. رابرتسن (William T. Robertson)، چاپ کلکته (۱۸۲۹ م).

مثال‌های دیگر بهره‌گیری از تصاویر چاپ سنگی در روی جلد کتاب‌ها: کتاب غلامرضا گلی زواره درباره تعزیه (۱۳۵۷ ش)، تحت عنوان «ارزیابی سوگواری‌های نمایشی»، و استفاده از شمایل امام حسین (ع) که میرزا علیقلی خوبی در «اسرارالشهدا» (۱۲۶۸ ق) تصویر کرده است [تصویر ۶]. «تاریخچه انیمیشن در ایران» اثر مهین جواهریان، که در اینجا از یک تصویر «عجایب‌المخلوقات» قزوینی (۱۲۶۴ ق)، مرقوم میرزا علیقلی خوبی، چندبار اقتباس شده است. روی جلد‌های دو کتاب درباره شاهنامه (انتشارات میچ آمریکا)، که نمونه‌های «نگاتیو» از تصاویر شاهنامه (۶۷-۱۲۶۵ ق)، مرقوم همین تصویرگر را به کار برده است [تصویر ۷].

گذشته از جلد کتابها، گاهی اوقات تصاویر چاپ سنگی برای تزئین داخل کتاب‌ها بکار رفته‌اند. نمونه‌هایی را که در اینجا نشان می‌دهم مربوط است به جلد سوم «تاریخ ادبیات کودکان ایران» که محمد هادی محمدی و زهره قائمی آن را تدوین کرده‌اند (۱۳۸۰ ش). در این کتاب، از تصاویر منتشر شده کتاب من تصویرگری روایی در کتاب‌های چاپ سنگی ایران (۲۰۰۱ م)، و نیز از کتاب «سلطان کربلا» تألیف جابر عناصری (۱۳۸۲ ش) استفاده شده است. عناصری خود یک

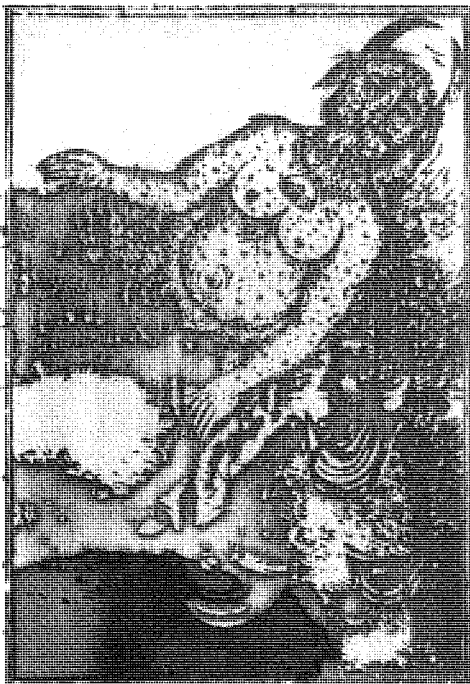
مجموعه‌دار مشتاق تصاویر چاپ سنگی است و اکثر تصاویر چاپ سنگی را از «اسرارالشهدا» (۱۲۶۸ ق) مرقوم میرزا علیقلی خوبی برگرفته است.

به احتمال، اردشیر محمص برجسته‌ترین هنرمندی است که از تصاویر چاپ سنگی در آثارش استفاده کرده او اکنون در آمریکا سکونت دارد. محمص در سال ۱۳۱۷ ش در رشت متولد شد. به دانشکده حقوق رفت و مدتی به عنوان کتابدار به استخدام وزارت مسکن و شهرسازی درآمد. در حدود سال ۱۳۴۲ ش، هنرمندی مشهور شد. نخستین نمایش آثارش را در سال ۱۳۴۶ ش برپا کرد و نخستین گزیده آثارش را در سال ۱۳۵۰ ش به چاپ رساند. آثارش را علاوه بر ایران، در نیویورک، بوستون، لس‌آنجلس، پاریس، بال و توکیو به معرض نمایش گذاشته است. طرح‌هایش در نشریات بین‌المللی گوناگون از جمله Graphis (زوریخ)، Graphic Design (توکیو)، Jeune Afrique (پاریس) و Graphic (مونپخ) چاپ شده‌اند. او هنگامی که در آخرین سال‌های رژیم پهلوی، برای چاپ آثارش دچار مشکل شد، کشور را ترک کرد و از سال ۱۳۵۶ در آمریکا زندگی می‌کند. اگرچه آثار او به دلیل کثرت

کنایات به آسانی قابل فهم نیستند، اما به سبب آنکه هم فکر برانگیزند و هم تحریک‌کننده، در عرصه بین‌المللی ستایش شده‌اند. تنها نکته در اینجا ارتباط آثار او با موضوع من است بنابراین با معنا و مفهوم آثارش که ممکن است چالش‌انگیز باشد، کاری ندارم.

محمص بارها اعتراف کرده که تحت تأثیر «هنر عامیانه و بومی، تصاویر کتاب‌های قرن سیزدهم ق، نقاشی‌های قدیمی، دیوارنگاره‌ها» و دیگر منابع مشابه بوده است. نمونه‌هایی که در زیر مورد

۴- فرشید مثقالی از کتاب
افسانه‌آفرینش در ایران
ش ۱۳۵۶
Farshid Mesghali
1977



بحث قرار گرفته‌اند از منتخب آثارش با عنوان «تاریخ مدار بسته» (۱۳۶۸ ش) گرفته شده‌اند. ملهم شدن از کتاب‌های فارسی عهد قاجار را پیش از این هم در برخی از طرح‌های اولیه‌اش که از الگوهای قدیم‌تر مایه می‌گرفتند می‌توان احساس کرد [تصویر ۸]، مثل طراحی «بازی آخر» که عیاری با سرپوشی غیرعادی، ریش حاکی خل وضع را می‌کشد و او را به سویی می‌برد. گاه تشخیص این نوع اقتباس و تلفیق دشوارتر است، مثل قفس‌های پرنده در «اتاق انتظار» که مسلماً تصویری از «رموز حمزه» (۱۲۷۶-۱۲۷۳ ق) مأخذ آن بوده است. در حالی که در آن تصویر، قهرمان و عیارش جلوی درختی ایستاده‌اند که زنان زندانی در قفس از آن آویخته شده‌اند، محصص قفس‌های «اتاق انتظار»ش را با سربازان دست بسته پر کرده است.

افزون بر این نمونه‌ها، محصص آثار متعددی چاپ کرده است که در آنها آمیزه‌ای غریب از نقش بریده‌های چاپ سنگی عهد قاجار با طرح‌های خودش ترکیب شده‌اند. در این کلاژها، محصص از تصاویر چاپ سنگی به طرق مختلف استفاده می‌کند. ساده‌ترین راه، به کارگیری یک تصویر کامل کمابیش بدون تغییر است. این مورد را در تصاویری با

عنوان‌های «آغاز سال تحصیلی» و «به یاد واپسین نبرد که در آن فرمانده گمنام کشته شد» [تصویر ۱۰] می‌توان دید. در حالی که در اولی، مأخذ گروه شیاطین معلوم نیست، منشاء دومی، صحنه کشتن عمر بن عبدود در «افتخارنامه حیدری» (۱۳۱۰ ق) است. علاوه بر چند دستخوردگی که امکان دارد از قبل روی نسخه مورد استفاده محصص پدید آمده باشد، تنها تغییر در نسخه اصلی حذف نام‌گذاری صحنه است.

محصص بارها یک جزء از تصاویر چاپ سنگی را برگزیده و با طرح خودش ترکیب کرده است، آن هم اغلب به طریقی که نمی‌توان به راحتی تشخیص داد. در «یعنی چه شلیک به قلبی که گر گرفته» فقط قاب و شرح مربوط به آن از کتاب چاپ سنگی

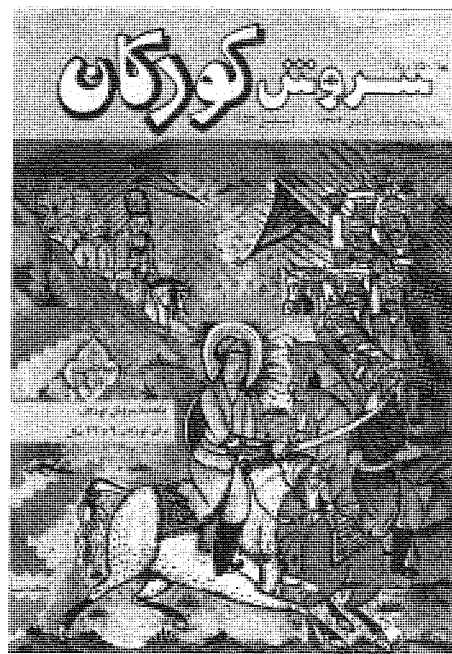
گرفته شده است. از نوشته‌ای که در اینجا آمده می‌توان مأخذ آن را در صفحه ۳۸۵ «تحفه‌الذاکرین» اثر محمدبن علی محمد «بیدل» کرمانشاهی (۱۲۸۰ ق) شناسایی کرد. محصص از تصاویر این کتاب بر حسب اتفاق بارها استفاده کرده است. در این مورد صفحه اصلی که او قاب را از آن برداشته، فقط حاوی یک نوشته بوده است. نمونه دیگری از این روش ترکیب عناصر، تصویر «جشن سالگرد پیروزی» [تصویر ۱۱] است که در آن گروهی از سربازان با لباس متحدالشکل عهد قاجار در بالای چوبه داری که چهار سرباز به آن آویخته شده‌اند، رژه می‌روند. دو دلچک و یک خرس و یک میمون نیز نمایانگر «جشن» هستند.

این صحنه از تصویری از «ریاض‌المحبین» اثر رضا قلی‌خان هدایت (۱۲۷۰ ق) برداشت شده است.

«مرد و ماه»، اساساً طرحی است از یک مرد به ظاهر کور (که کوری‌اش را باید از عصا، عینک سیاه و سگ راهنمای او حدس زد. اما در اینجا، پاهای جلویی و سر سگ به جای سر مرد تصویر شده). روی این تصویر، صحنه یک کاروان از زندانیان سوار بر شتر دیده می‌شود که سربازانی اسب سوار آنها را همراهی می‌کنند. بیشتر زندانیان زن هستند اما نوجوانی در مرکز تصویر به چشم می‌خورد. به استناد جزئیات مضمون‌نگاری صحنه می‌توان این کاروان را با کاروان امام زین‌العابدین (ع) و بازماندگان جنگ کربلا یکی دانست. این نقش بریده‌ای از «تحفه‌الذاکرین» است که رسیدن کاروان اسرای اهل بیت به دمشق را نشان می‌دهد.

محصص در گروهی دیگر از آثارش، تصاویر مختلف از یک کتاب چاپ سنگی را ترکیب کرده است. مثلاً در «هدف متحرک»، شاهنامه کتاب مورد استفاده او بوده است. در اینجا، گروهی از سواران رزمنده را با آرایشی زاویه مانند در زیر یک ابر مملو از سیاه مشق نشان می‌دهد.

۵- محمدعلی بنی‌اسدی
سروش کودکان دی ماه ۱۳۷۴
MohamadAli BaniAsadi
1995



رستم در رأس این زاویه قرار دارد که با کلاهخود ویژه اش (کله دیو سپید) به وضوح قابل شناسایی است. کمند رستم و سر رخس که به سختی در گوشه چپ می توان باز شناخت، با واپسین کار قهرمانانه او یعنی کشتن شغاد ربط دارد [تصویر ۱۲] این نقش بریده، از شاهنامه چاپ بمبئی (۱۲۷۲ ق) برداشته شده است. سایر رزمندگان نیز بر اساس قطعه تکثیر شده ای از صحنه جنگ خسرو پرویز و بهرام چوبین (در همان کتاب) شکل گرفته اند.

«رو به دیوار»؛ شامل نمونه های پاره پاره ای است از مجالس شاهنامه مانند نجات بیژن از چاه به دست رستم و کباب کردن گورخر به دست او. صحنه ها در اینجا سخت از هم گسیخته اند. البته معلوم نیست که هنرمند عمداً آنها را در این وضع ارائه کرده و یا نسخه مورد استفاده او از ابتدا تکه تکه بوده است.

گاهی اوقات، ترکیب تصاویر مختلف چاپ سنگی حتی پیچیده تر است. «مراسم رژه سربازان شکست خورده دشمن»؛

ترکیبی است از دو جفت عیار برگرفته از یک تصویر «اسکندرنامه» (۱۲۷۳ ق) با دو گروه از مردان نشسته و ایستاده، برگرفته از دو تصویر متفاوت از «تحفه الذاکرین».

«انفجار در تاتار» [تصویر ۱۳] در اصل تصویر آخر «هزار و یکشب» (۱۲۷۲ ق) یعنی نمایش جشن عروسی «معروف» را عرضه می کند اما چهره همه شخصیتها یا محواند و یا با عناصر دیگری پوشانده شده اند و یا پشت یک رقاصه که از تصویر دیگری گرفته شده است پنهان شده اند.

«اتاق انتظار»؛ با قاب یک مجلس از «خمسه نظامی» (۱۳۱۶ ق) ساخته شده است که بهرام گور را هنگام دیدار شاهدخت هندی در قصرش نشان می دهد. اشخاصی که در سمت چپ نشسته اند و نیز اجساد تیرخورده ای که در وسط قرار دارند از «تحفه الذاکرین» گرفته شده اند یا اینکه طرحی ذهنی از آن

الگوها بوده اند.

محخص گاهی اوقات عناصر برگرفته از تصاویر چاپ سنگی را تا سطح تزئین محض تقلیل می دهد. مثلاً پسزمینه کوهستانی احتمالاً برگرفته از شاهنامه در «سرانجام، آواتار (Avatar) گرامی به کیفرش رسید»، یا بدن های تیرخورده یا سر بریده قربانیان کربلا از تحفه الذاکرین در «روز پیروز».

در بیشتر آثار نامبرده در بالا، چه جلد کتاب و چه طراحی به شیوه کاریکاتور، تشخیص ارتباط میان معنای تصویر چاپ سنگی در متن اصلی اش و پیام آن در استفاده ثانوی، اگر نه غیرممکن، لاقط بی نهایت دشوار است. امکان دارد که پیام در برخی موارد بسیار آشکار باشد، یا حتی سطحی؛ مثلاً وقتی که محصص در «اتاق انتظار» مردان را در قفس تصویر می کند یا دلچک ها را در «جشن سالگرد پیروزی» و یا سواران را در «هدف متحرک».

در موارد دیگر بینندگان وسوسه می شوند که یک پیام پنهانی را از تصاویر بگیرند. مثلاً آنگاه که اسرای کربلا قبل از تصویر مرد کور قرار داده شده اند: آیا این دلالت بر کوری سپاهان بنی امیه دارد که قادر به

«دیدن» آنچه بر سر مسلمانان و بویژه شیعیان آوردند، نیستند؟ فقط خود هنرمند می تواند پاسخ قاطع این پرسش ها را بدهد. از سوی دیگر معلوم نیست که او مایل به چنین کاری باشد. دست کم بخشی از جاذبه آثار محصص در ماهیت معمایی آنها نهفته است. او تصاویر را گشوده به رویکردهای گوناگون و تعابیر متعدد وامی گذارد. به گمان من نباید بر معانی اولیه تصاویر چاپ سنگی مورد استفاده او خیلی تأکید کرد. اما می توان آثار او را انگیزاننده شگفتی و ترسی دانست که ممکن است به متن اصلی شان مربوط باشد یا نباشد.

در خاتمه این بررسی، مایلم به آثار یک هنرمند و پژوهشگر جوان ایرانی، علی بوذری اشاره کنم. اگرچه آثار او به چاپ

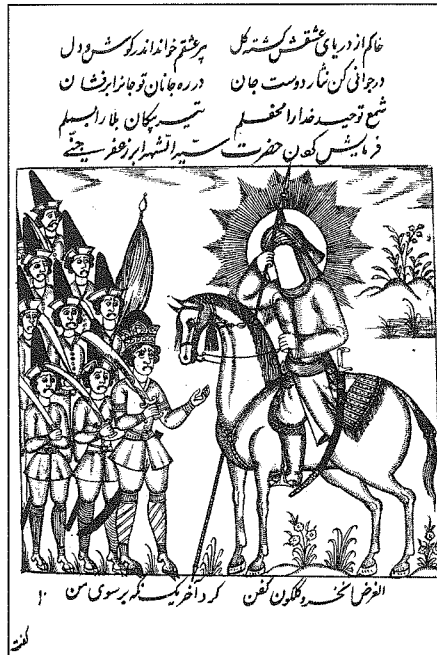
۶- اسرارالشهدا

میرزا علیقلی خونی

۱۲۶۸ ق

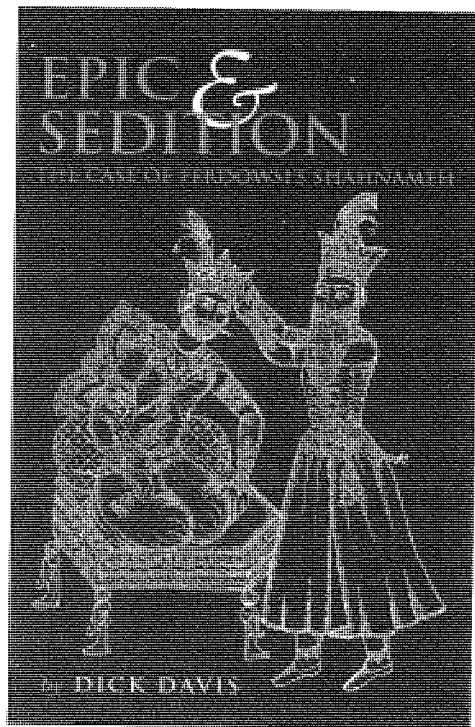
Mirza Ali Gholi Khoi

1852



هنر ایرانی جدید نه فقط به امر الهام بخشی بلکه همچنین به قابلیت دسترسی بستگی دارد. در حالی که فرشید مثقالی یک نسخه میکروفیلم از تصاویر کتاب‌های چاپ سنگی در اختیار داشت، اردشیر محمص می‌توانست از مجموعه شخصی‌اش برداشت کند، هنرمندان جوان‌تر، که دسترسی آسان به نسخ اصلی برایشان امکان‌پذیر نیست، ممکن است در آینده از نشریاتی بهره بگیرند که انبوهی از تصاویر چاپ سنگی برابر اصل را در دسترس آنها قرار می‌دهد. این کتاب‌ها عبارتند از ترجمه فارسی تحقیق من، یک آلبوم از تصاویر مجموعه شش چاپ مختلف شاهنامه، و ترجمه انگلیسی دیک دیویس (Dick Davis) از شاهنامه در یک جلد شامل تصاویر بی‌شمار از چاپ‌های سنگی مختلف آن. امید است که کتاب‌هایی از این دست کمک کنند تا

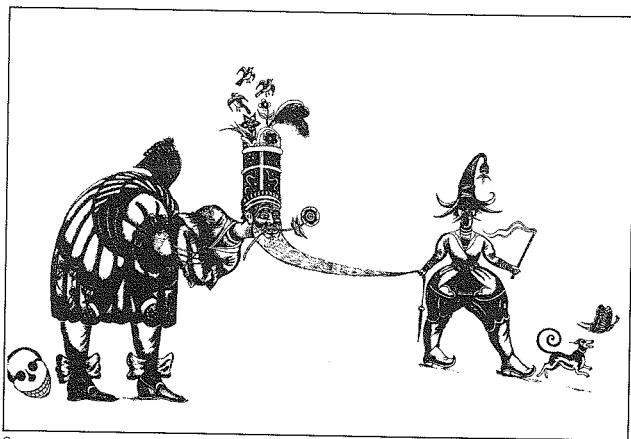
هنر تصویرگری چاپ سنگی عهد قاجار در سطحی گسترده‌تر و آن‌گونه که شایسته‌اش است، به عنوان شکلی مستقل و مهم از بیان هنری بومی شناخته شود، و شاید روزی راه به روی تجربه‌ای مجدد و برداشتی جدیدتر از این هنر سنتی بگشاید. ■



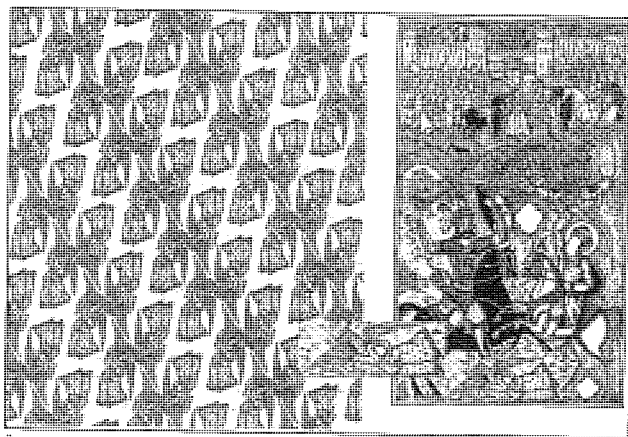
نرسیده، اما علاقه‌اش به تصویرگری چاپ سنگی به مثابه یک نوع هنر سنتی ایران جالب توجه است. کاری که از او دیده‌ام، برخورد «پست مدرن» نو و تازه‌ای با هنر تصویرگری چاپ سنگی را نوید می‌دهد.

تنها نمونه‌ای که در اینجا می‌توانم نشان دهم طرح مبتکرانه او برای یک کراوات ابریشمی است که در تصویر فرشته‌ای با بال‌های گشوده در چندین ردیف تکرار شده [تصویر ۹] این فرشته، بازتاب دیگری از تصاویر اصلی عهد قاجار را نشان می‌دهد که شاید بتوان آن را «گوارش سوم» نامید. فرشته، نقش بریده‌ای از یک صحنه جنگ «حضرت علی (ع) با مرجب خیبری» در «طوفان البكاء» (۱۲۷۲ ق) است. از آنجا که بوذری به نسخه چاپی اصلی دسترسی نداشته، از تصاویر چاپ شده در کتاب من (تصویرگری روایی در

کتابهای چاپ سنگی در ایران) کمک گرفته است. اما به دلیل گرانی بهای کتاب‌های خارجی در ایران، مجبور شده یک نسخه کامل زیراکسی از آن تهیه کند. این مثال آخر نشان می‌دهد که استفاده از تصاویر چاپ سنگی در



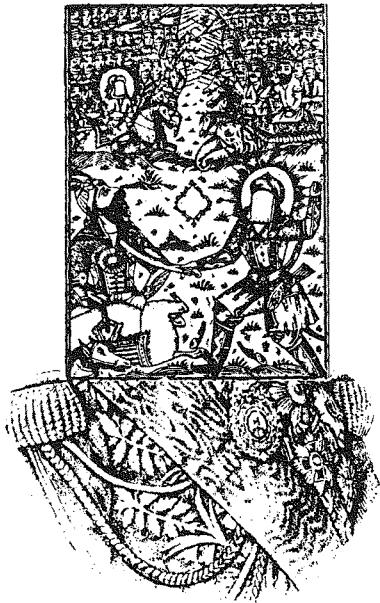
8



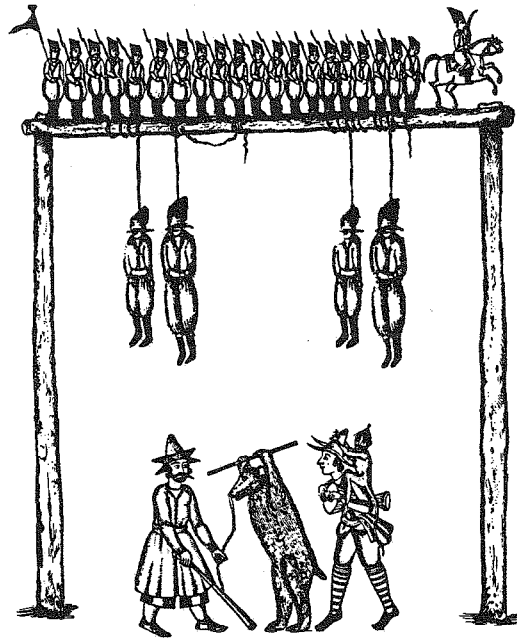
9

۷- شاهنامه
روی جلد کتاب
انتشارات میچ آمریکا
۸- اردشیر محمص
از کتاب
تاریخ مدار بسته - ۱۳۶۸
Ardeshir Mohasses
۹- علی بوذری
طرح برای کراوات
Ali Bozari

10



11



12

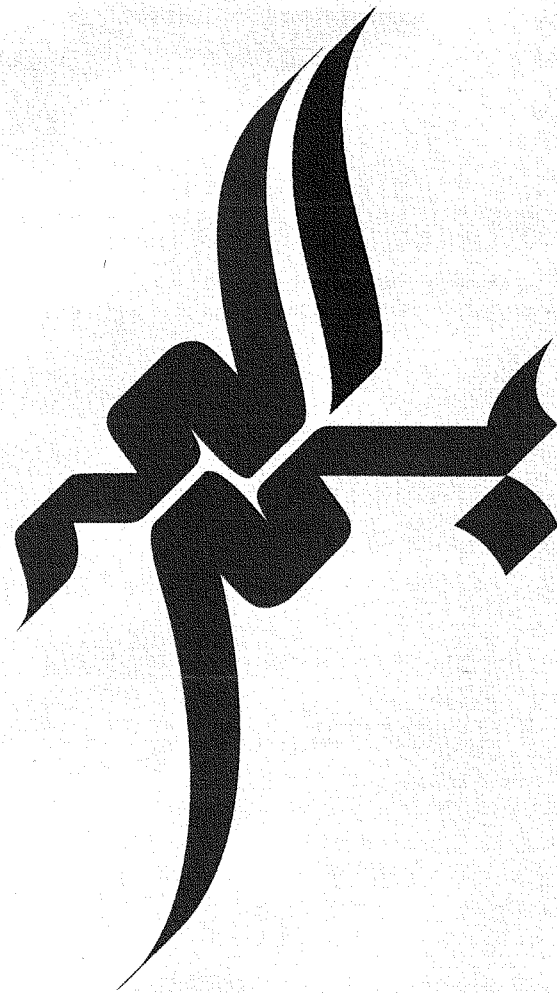


13



(from 10 to 13) Ardeshir Mohasses

(از ۱۰ تا ۱۳) اردشیر محمص از کتاب تاریخ مندار سته - ۱۳۶۸



صاحب امتیاز و مدیر مسئول: شهریار توکلی

زیر نظر شورای نویسندگان

حرفه: عکاس / شهریار توکلی، فرشید آذرنگ

حرفه: نقاش / ایمان افسریان (با همکاری مریم اطهاری)

حرفه: هنرمند / فرشید آذرنگ

طراح نشانه (لوگو): قباد شیوا

طراح یونیفورم صفحات: فرشاد رستمی

صفحه آرایی: سعید قره‌خانی

مدیر اجرایی: آرزو پنجه‌شاهی

مشاور و مجری تبلیغات: موسسه تبلیغاتی جانوسپار

(شهرزاد روایی) ۸۸۷۲۸۲۹۰

توزیع و اشتراک: مهدی قلعه‌خندانی ۰۹۱۲-۳۱۴۷۴۱۸

حروفچینی: ر. نظریور

پردازش تصاویر: گرافیک فرودین ۸۸۸۴۳۵۶۵

ناظر چاپ: مهرداد رباط‌جزی

لیتوگرافی و چاپ: نشر نظر ۸۸۸۴۴۱۷۸

سلفون جلد: صحافی‌تژ ۶۶۹۵۵۳۲۸

تلفن و نما بر دفتر نشریه: ۲۲۸۴۵۱۷۰

نشانی: تهران، صندوق پستی ۱۸۹۵-۱۶۳۱۵

Herfeh: Honarmand (Profession: Artist)

Art Quarterly Magazine

Vol. 3, No. 13, Fall 2005

Publisher: Shahriar Tavakoli

Editorial Association:

Farshid Azarang

Iman Afsarian

Shahriar Tavakoli

Printed: in Nazar Printing House

Tel: (0098)+21 22845170

Address: P.o Box :16315 – 1895 Tehran, Iran

E-mail: info@herfeh-honarmand.com

WWW: herfeh-honarmand.com

نیما ملک‌محمدی

احسان نوروزی

امید نیک‌فرجام

علی ادیب

رذیا بنائی

جاوید دلرنگ

فریناز سندنانی

حمید رضاکرمی

سیدمهدی‌مقیم‌تژاد

جواد مجابی

مهران مهاجر

ریچارد ولهایم

پل ویریلیو

مترجمان :

فرشید آذرنگ

رضا شیخ

روبرت صافاریان

بهنام کامرانی

آنتونی کیدنز

اولریش مارزولف

پنه‌لوپه ماسون

خسرو دهقان

آلن دوگ

امیرشهاب‌رضویان

محمدعلی سپانلو

محمد ستاری

ملری‌سسلی‌برویر

رویین پاکباز

نسرین ترابی

تیموتی‌جی‌کلارک

تورج حمیدیان

مونیرا خمیر

آریاسپ دادبه

مولفان و هنرمندان:

آیدین آغداشلو

محمدرضا اصلانی

ثمیلا امیرابراهیمی

ویکتور برگین

علی بوذری